

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# هانا آرنت: هشتاد سالگی مارتین هایدگر تَجَدُّدِ اَمْتَال: تَجْدِيدِ سَنَّت

جلسه بیستم

دوشنبه ۰۳ - ۰۷ - ۱۴۴۲؛ ۲۷ - ۱۱ - ۱۳۹۹؛ ۱۵ - ۰۲ - ۲۰۲۱

# بیرون از خود برای او

• خدای تعالی می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ ۳۴:۴۶)

(بگو جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یکی، که قیام کنید برای الله دو دو، و یک یک. سپس، تفکر کنید، نیست صاحب شما را هیچ پوشیدگی‌ای، نیست او مگر بیم دهنده‌ای برای شما پیش از عذابی شدید!)

# گدایی در جانان به سلطنت مفروش کسی ز سایه این در به آفتاب رود

• تَقُومُوا لِلَّهِ

• حافظ:

گرت هو است که معشوق نگسد پیمان  
نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

پاس داشتن الله: یا با مسؤلیت پذیری، یا با عشق

• ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا

تا الهام شود آنچه الهام شود، و شود آنچه شود

# کَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

• ابراهیم، خلیل الله- علیه السلام:

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي

يَوْمَ الدِّينِ (۷۸-۸۲ : ۲۶ الشعراء)

(همان که آفریدم، و هم او راه نمایدم، و همان که او می خوراندم و می نوشاندم، و چون مریض شوم، هم او بهبودی بخشدم، و همان که بمیراندم سپس زنده گرداندم، و همان که از دارم که بزُداید برایم کجرویم را روز پاداش.)

# کَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (٢٠١-٢٠٠ : البقرة)

(پس، از مردمان باشد، کسی که گوید، "پروردگارا، بده ما را در دنیا!" و او را در آخرت هیچ بهره‌ایی نباشد، و از آنان باشد، کسی که گوید، "پروردگارا، بده ما را در دنیا زیبایی‌ایی و در آخرت زیبایی‌ایی، و سپر شو ما را در برابر عذاب آتش!")

# با دوست بخور

- دنیا خواهی خودخواهی است، و آخرت دیگری است.
- خیّام، رباعی ۹۴:

هم دانه‌ی امید به خرمن ماند  
هم باغ و سرای بی تو و من ماند  
سیم و زر خویش از درمی تا به جوی  
با دوست بخور، گرنه، به دشمن ماند

# لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ  
حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ  
قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا مَا  
أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَ  
أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (٧٩-٧٨ : ٤ النساء)

# هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

هر جا باشید، مرگ دریابد شما را هر چند در کوشک‌های استوار  
برافراشته باشید، و اگر زیبایی‌ایی به آنان رسد، گویند این از نزد  
خداست؛ و اگر زشتی‌ایی به آنان رسد، گویند این از نزد توست.  
بگو، "همه از نزد الله!" چه شده است این مردم را که نزدیک هم  
نیستند به فهم دقیق سخنی؟! آنچه از زیبایی تو را رسد، از الله  
است؛ و آنچه از زشتی تو را رسد، از خود توست. فرستادیم تو  
را برای مردم فرستاده‌ای، و الله بس است [آنجا که نیازی است  
به] شاهد!



# کَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى  
نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ  
فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٥٤: الأنعام)

(و آن هنگام که کسانی که ایمان می‌آورند به نشانه‌های ما آیند تو  
را، بگو، "سلام بر شما بادا! پروردگارتان نوشته است بر خودش  
رحمت را، که چون کسی از شما زشتی‌ایی را انجام دهد از روی  
نادانی، سپس باز گردد از پس آن، و بایستگی و رزد، او غفوری  
رحیم است!")

# كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

• خدای تعالی فرماید:

وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ

(۴۲:۳۰ الشوری)

(و آنچه برخورد کرد شما را از برخورد کردنی، به خاطر آن چیزی است که دست‌هاتان بدست آورد، و در می‌گذرد از بسیاری.)

# كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

- حقّ/خلق
- ربّ/عبد
- فريضه/احتمال (امكان)
- ضرورت ازلى: ذات غيب الغيوبى
- وجوب/امكان؛ وجوب [بالذات]/وجوب [بالغير]
- قطعيتّ/حجيتّ؛ قطعيتّ/قطعيتّ
- جبر/اختيار
- جباريتّ: جبران

# جُمْلَه شَاهَانُ بِنْدَهٗ بِنْدَهٗی خُودِنْد

## جُمْلَه خَلْقَانُ مُرْدَهٗ مُرْدَهٗی خُودِنْد

- نافله و احتمال و اختیار دیگران همان فریضه و ضرورت و جبر ماست، و بالعکس، نافله و احتمال و اختیار ما همان فریضه و ضرورت و جبر آنهاست.
- هم شاید که نافله و احتمال و اختیار جمع فریضه و ضرورت و جبر تفصیل باشد، و بالعکس نافله و احتمال و اختیار تفصیل فریضه و ضرورت و جبر جمع آید.
- كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ
- هر که عاشق دیدی آتش، معشوق دان

# این نه جَبِر، این معنی جَبَّارِ است

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی، دفتر اول، بخش ۷۹:

لَفْظِ جَبْرَمِ عَشْقِ رَا بِي صَبْرِ كَرْد

وَانِ كِهَ عَاشِقِ نِيَسْتِ، حَبْسِ جَبْرِ كَرْد

اَيْنِ مَعِيَّتِ بَا حَقِّ اسْتِ وَ جَبْرِ نِيَسْتِ

اَيْنِ تَجَلِّيِّ مَهْ اسْتِ، اَيْنِ اَبْرِ نِيَسْتِ

وَرُ بُودِ اَيْنِ جَبْرِ، جَبْرِ عَامِهَ نِيَسْتِ

جَبْرِ اَنْ اَمَّارِهِي خُودِ كَامِهَ نِيَسْتِ

این نه جبر، این معنی جباری است

جبر را ایشان شناسند ای پسر  
که خدا بگشادشان در دل بصر

# این نه جبر، این معنی جباری است

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی، دفتر اول، بخش ۵۹:

جَبْر چه بُود؟ بَسْتَنِ اِشْگَسْتَه را  
یا بِپِیوسْتَنِ رَگی بُگَسْتَه را  
چون دَرین رَه پایِ خود نَشْگَسْتَهیی  
بر کِه می خندی؟ چه پا را بَسْتَهیی  
وان کِه پایش در رَه کوششِ شِگَسْت  
دَر رَسید او را بُراق و بَر نِشْت

# این نه جبر، این معنی جباری است

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی، دفتر اول، بخش ۲۹:

تو ز قرآن بازخوان تفسیر بیت  
گفت ایزد ما رمیت اذ رمیت  
گر پیرانیم تیر، آن نه ز ماست  
ما گمان و تیر اندازش خداست  
این نه جبر، این معنی جباری است  
ذکر جباری برای زاری است



# آه اگر خرقه پشمین به گرو نستانند

• حافظ:

به جبر خاطر ما کوش کاین کلاه نمد  
بسا شکست که با افسر شهی آورد

مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم  
آه اگر خرقه پشمین به گرو نستانند  
وصل خورشید به شبیره اعمی نرسد  
که در آن آینه صاحب نظران حیرانند

# بِنَشْناسَمَ مِنْ خَوِيْشِ زِ بِيْگَانِه

• تفکّر: سوی خود اشیاء

• Ontic/Ontological

• "خود" از کجاست؟

• چگونه پدیدار شده است، متحوّل می‌شود و مبدّل؟

• خود را با دیگری چه ربط است؟

• دیگری کیست؟

• دیگری نزدیک/دیگری دور؛ خاصّ/عامّ

• Ego/Superego; Significant Others/Generalized Others

# بِنَشْناسَمَ مِنْ خَوِيشِ زِ بِيگانَه

• مولانا، جلال الدین محمد بلخی، غزل ۲۳۰۹:

من بی خود و تو بی خود، ما را که بَرَدِ خانَه

من چند تو را گفتم کم خور دو سه پیمانَه

جانا به خرابات آ، تا لَدَّتِ جانُ بینی

جان را چه خوشی باشد، بی صُحْبَتِ جانانَه

گفتم که رفیقی کُن با من، که مَنَمِ خویشَت

گفتا که بِنَشْناسَمَ مِنْ خَوِيشِ زِ بِيگانَه